

معرفی یک نسخه خطی

«گزارش نظامی»

از مجموعه نسخ خطی آستان قدس رضوی

«روزنامه خراج فوج اردبیل و مشکین از ۴ شوال الی ۲۰ صفر ۱۲۸۹»

○ ابراهیم بلوکی

○ مؤلف: ناشناس

○ تاریخ تألیف: ۱۲۸۹ قمری

○ خط تحریر: نستعلیق خوش

○ تعداد اوراق: ۶ ورق ۱۰ سطری

شماره ثبت در مجموعه نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی: ۱۶۵۳۸

گزارش نظامی مذکور، چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم روزنامهچه فوج اردبیل مشکین از چهارم شوال که ورود فوج مزبور به شهر مقدس است الی بیستم ماه صفر المظفر که حسب الامر عرض می‌شود.»

نگارنده پس از آن، با ذکر تاریخ روزها به گزارش مسایل مربوط به فوج مزبور پرداخته است. با توجه به ماهیت و کاربرد از پیش تعیین شده رساله، غالب اطلاعات ثبت شده در آن، حول مسایل نظامی بوده که از لابه‌لای همین اطلاعات می‌توان مطالب جالب توجهی را در زمینه‌های پژوهشی مختلف استخراج نمود. برای نمونه در جایی از گزارش چنین ذکر شده که فوج «قریب هشت نه روز» در خارج دروازه ارک، اردو زد و در همان محل لشکرنویس خراسان، از این واحد نظامی «سان» دید؛ و نیز واحد به سلام

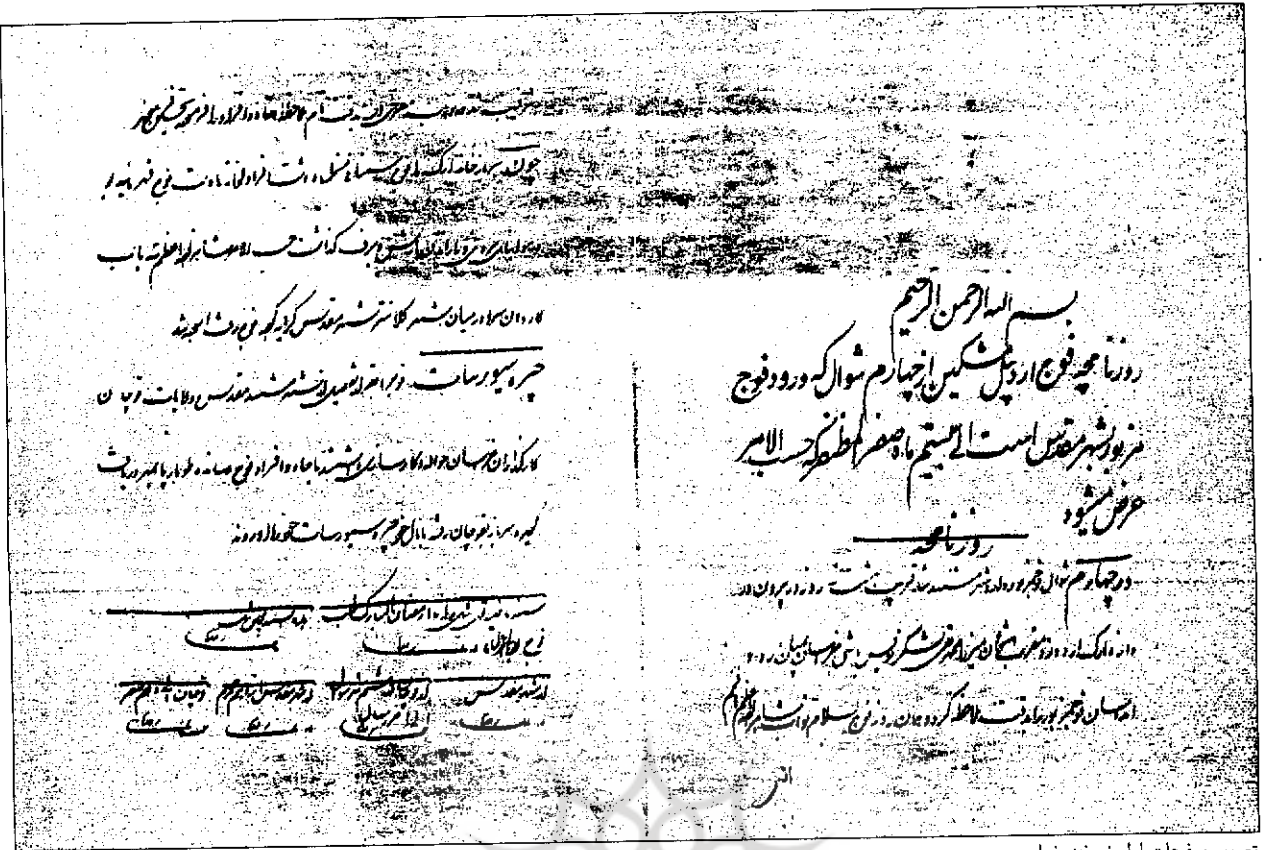
مطالب نگاشته شده در چنین منابعی را یک کلید یا معرف دانست و بر مبنای آن به جستجوی شواهد تاریخی پرداخت و با به دست آوردن منابع تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده، به نظر یا خبری تاریخی دست یافت.

نسخه خطی روزنامهچه خراج فوج اردبیل و مشکین، رساله‌ای است کوتاه، حول محور نیازها، اخبار و مطالب مرتبط با یک گروه نظامی که به جانب مشهد، گسیل شده و حدود چهار ماه و نیم در این شهر اقامت داشته‌اند. هدف از نگارش این رساله کوچک، صرفاً انعکاس مسایل داخلی این واحد نظامی به رده مافوق و احتمالاً تصمیم‌گیرنده بوده است با این حال، اطلاعات جالب توجهی در این جزوه که در وقت نگارش، کاربردی صرفاً نظامی داشته، می‌توان تعیین و تفکیک نمود.

یکی از بهترین راه‌های مطالعه تاریخ و جغرافیا و مسایل اجتماعی ایران دوره قاجار بررسی منابع نزدیک به موضوع مورد بررسی است.

منابع دست اول تاریخی، صرفاً به کتاب‌های تاریخ محدود نمی‌شود. عکس‌ها یا تصاویر، قراردادهای تجاری یا سیاسی، خاطرات، مکتوب، قبالة ازدواج و خلاصه هر چیز - فرهنگی یا غیر فرهنگی - منبعی برای تحقیق و تفحص در زمینه پژوهش‌های تاریخی به شمار می‌رود. با این وصف یک گزارش نظامی هم، منبعی تاریخی است و از آنجا که به صورت مستقیم به مسایل زمان خود می‌پردازد، در زمره منابع دست اول محسوب می‌شود. شاید نتوان این‌گونه منابع را به تنهایی مورد استناد قطعی قرار داد و بر مبنای آن حکم نهایی را صادر نمود، اما می‌توان

تصویر صفحات اول نسخه خطی



یکی از شاهزادگان رفت.

از میان این سطور، به نکات قابل توجهی می‌توان پی برد. از جمله: استقرار نیرو در خارج از شهر، اشاره به یکی از شش دروازه مشهد آن زمان، استعمال واژه «سان» از جانب یک نظامی ایرانی و مسایل مشابه دیگر.

نویسنده گزارش در بند بعد می‌نویسد: «سربازخانه ارک را فوج سمنانی منزل داشت و قراولخانه‌ها دست فوج قهرمانیه بود». و از آنجا که هوا رو به سردی می‌رفت به دستور شاهزاده اعظم سه باب کاروانسرا در داخل شهر توسط «کلانتر» شهر برای استقرار فوج، کرایه شد.

مهم‌ترین مطلبی که از این سطور به دست می‌آید، موضوع استقرار همزمان چند واحد نظامی در شهر مشهد است که ریشه آن را باید در حوادث دهه ۱۲۶۰ هجری و ماجرای سالارالدوله جست. ماجرابی که باعث استقرار دائمی چند واحد نظامی از نقاط مختلف کشور در مشهد (از سال ۱۲۶۴ به بعد) شد.

در عین حال مسأله قابلیت نظامی بخش جنوب غربی شهر و محله و دروازه ارک بر سایر جنبه‌ها از نقطه نظر بررسی تاریخ و جغرافیای تاریخی شهر مشهد نیز برای پژوهشگران، این زاویه از حیات تاریخی شهر مشهد قابل توجه می‌باشد.

با استفاده از این نسخه خطی و گزارش‌های

مندرج در آن، به تعداد و موقعیت مکانی قراولخانه‌های مشهد نیز می‌توان پی برد.

وجود واژه «کلانتر» شهر، در این گزارش نشان می‌دهد که در آن محدوده زمانی، در سلسله مراتب مدیران شهری ایران، چنین رده شغلی وجود داشته است و این نکته در بررسی تاریخ اجتماعی - سیاسی عصر قاجار، برای پژوهشگران سودمند خواهد بود.

گزارش‌نویس در پی این مطالب، به طور مختصر از انتقال یک محموله «جیره سیورسات» سخن گفته و طی آن معلوم می‌شود جیره این فوج آذربایجانی، از مشهد و قوچان حواله شده و «کارگزاران خراسان» آن را «حواله و کارسازی» یا به تعبیر دیگر، نقد نموده و با تحویل آن به افراد، از تک تک آنان سند «پا به مهر» اخذ نموده‌اند و نیز: از باب کرایه جیره حواله شده به قوچان، مسؤولان مربوطه، مبلغ پنج هزار دینار «حواله نیشابور» کرده‌اند که «صاحب منصب» رفته و پس از وصول آن و تحویل به تک تک نفرات، رسید دریافت نموده است.

در این قسمت از گزارش هم، علاوه بر اطلاعاتی که در زمان نگارش صرفاً کاربرد نظامی داشته، مطالبی ارائه شده که در پژوهش‌های مختلف، به کمک محققان می‌آید. از جمله: حواله شدن جیره به شهرستان‌ها و نوع و نحوه اخذ و تحویل آن، نوع توزیع و تقسیم

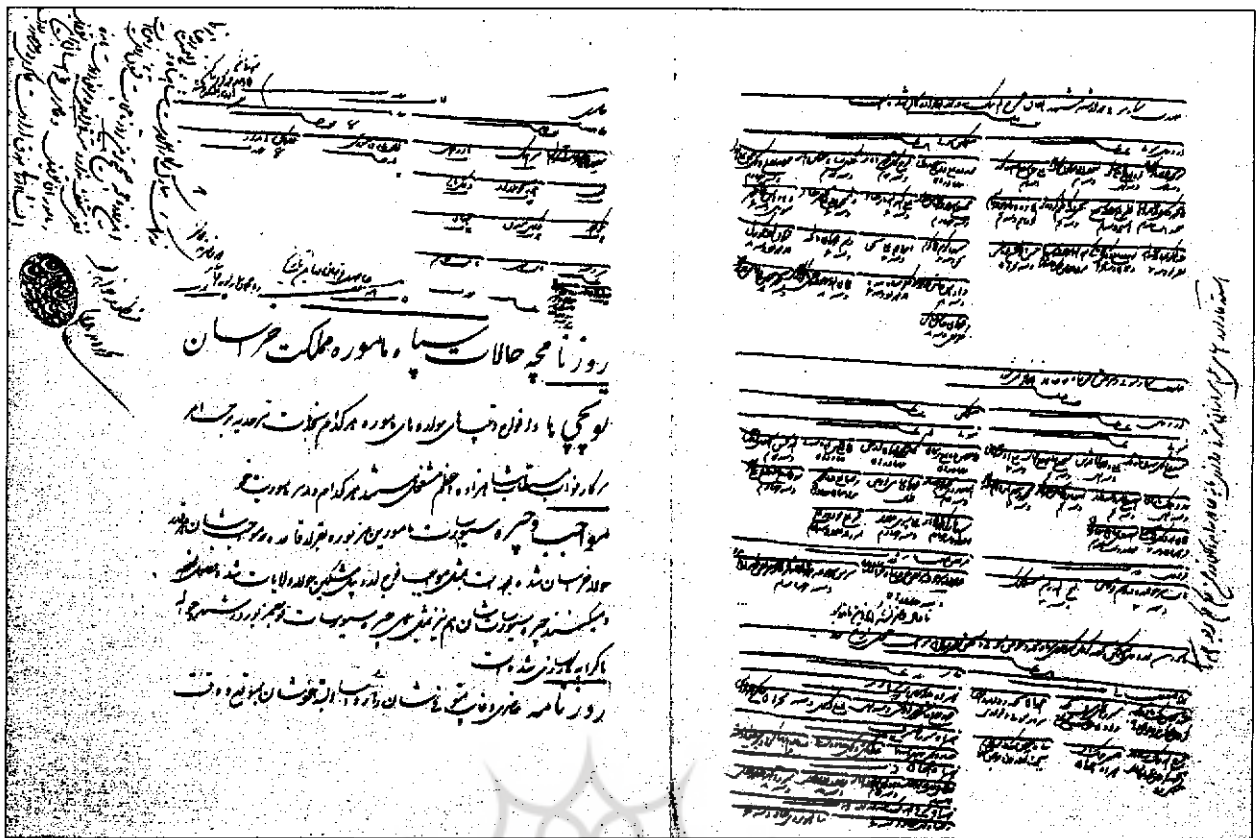
جیره بین نفرات و اخذ رسید رسمی از آنان، یکی دو نمونه مبالغ و مقادیر عددی ...

در همین گزارش جدول و آماری درباره جیره مورد بحث ارائه گردیده که در آن زمان و مکان دریافت یا درحقیقت اخذ جیره ثبت شده است. این آمار، از مطالب جالب توجه و کاربردی این نسخه خطی به شمار می‌رود.

مطالب و اطلاعات تکمیلی مربوط به این گزارش را در گزارش بعدی نیز، می‌توان یافت که آن هم، به موضوع حواله کرد و اخذ جیره اشاره کرده به ارائه مطالب ریزتر و جالب‌تری پرداخته است: «موجب دوماهه که حواله خراسان از رکاب مبارک شده بود کارگزاران خراسان به ولایات طیس حواله کردند. صاحب‌منصب مأمور شد به فاصله یک ماه تنخواه موجب را آورد فوج حاضر شد نفر به نفر الی صد دینار پول سیاه طلب سرباز بود موجب دو ماهه داده شد طومار مهور گرفته گشت.»

در این گزارش، اشاره‌ای به سرمای زمستان آن سال در مشهد و خراسان شده که «مردمان کهن سال به اینطورها یاد نمی‌دانند». از نکات جالب توجه در این پاراگراف به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱ - انتقال آذوقه «ساخلو» سرخس توسط یک واحد نظامی از مشهد.
- ۲ - اعزام یک واحد نظامی ششصد نفری



دو صفحه نمونه از نسخه خطی

تحت فرمان یک «سرهنگ» برای انجام مأموریت.

۳- تاکید بر آراستگی و نظم واحد در طول مدت مأموریت و...

گزارش نویس پس از این، به طور موقت از ارائه گزارش‌های روزانه دوری جسته، به بیان برخی اخبار و اطلاعات دیگر می‌پردازد. نکته جالب توجه در این بخش، علاوه بر تاکید نویسنده بر حفظ شوونات نظامی و رعایت نظم، اشاره به تمرین نظامی نیروهاست. به گزارش نویسنده، با معتدل شدن هوا (پس از عید)، فوج در خارج از شهر مشهد - بیرون دروازه بالاخیابان - اردو زده و همه روز، به غیر از روز جمعه، صبح‌ها به تمرین نظامی پرداخته و بعدازظهرها هم صاحب‌منصبان یا به اصطلاح امروز افسران به تمرین با تفنگ می‌پرداختند.

گزارشگر همچنین به کاستی‌ها و نیازهای فوج اشاره کرده و با به‌کارگیری شگرد نگارش حرفه‌ای ابتدا به نقاط قوت و موارد مثبت فعالیت‌های فوج، و بعد به بیان جنبه‌های منفی و کاستی‌های موجود مبادرت می‌کند: «عمده شکوه افواج در ملبوس است. ملبوس کلاه لب‌چین این فوج، مندرس و پاره شده است و این فقره نقصان زیاد به شکوه عسکریه این فوج رسانده» و «کارهای سنگین و عمده در سرحدات و انجام یافتن خدمات کلیه به دستگیری سپاه

خواهد بود. لهذا امیدواری قشون و دلگرمی آنها، الزم‌ترین کارهاست. امیدواری فوج هم، بسته به دو چیز است اول یاداری و رسیدن موجب و جیره سیورسات و ملبوس به قاعده و وقت دویم: اطمینان آنها از آسایش کسان و بسته کان [= بستگان] و عیال خودشان در ولایات‌شان تنخواه خرجی این فوج تمام شده و با نان خالی نمی‌شود متصلاً گذران نمایند... سرباز زیاد عسرت و تنگی می‌کشند که مافوق ندارد...»

مجدداً گزارش نویس در تاکید این موضوع در حاشیه صفحه چنین افزوده است: «پرشانی فوج را حدی نیست، انشاءالله توجه فرمایند». این بخش‌ها چیزی بیش از بیان یک مطلب نظامی محض است، چرا که یک معضل اجتماعی را مطرح و راه‌حل ارائه می‌دهد. در ادامه همین قسمت، گزارش‌نویس گوشه کوچکی از تاریخ سیاسی - اجتماعی زمان خود را به خوبی ثبت و ضبط نموده است، وی متذکر می‌شود که پیوسته از آذربایجان به سربازان خبر می‌رسد که خانواده‌های‌تان تحت فشار حکومت اردبیل‌اند و... گزارشگر پیشنهاد می‌کند که باید از طرف بالادستی‌ها، «برای امیدواری فوج» اقدامی صورت پذیرد.

پرشان‌حالی طبقات پائین اجتماعی را در این سطور می‌توان مشاهده کرد همان‌ها که از یک سو نیروی کار و سرپرست خانواده‌شان

بالاجبار در خدمت فوج قرار گرفته است و از طرف دیگر فشاری که بر خانواده‌ها وارد می‌شود «متصلاً قاصدها... نوشتجات از کسان و عیال سرباز می‌آورند که کلیتاً شکایت و آه و ناله از شدت تعدیات حکومت... است...» البته آن گونه که از گزارش‌های پراکنده به جا مانده از آن روزگار برمی‌آید، این شرایط، سیمای عمومی و غالب تاریخ اجتماعی دوره قاجار و به‌ویژه دوره ناصری می‌باشد.

یکی دیگر از بخش‌های جالب توجه این کتابچه دستنویس، اعلام نیازی است که در آن به تعدادی از مشاغل و حرف‌موردنیاز فوج شده همچون «چخماق‌ساز و قنداق‌ساز» برای سلاح و یا «جراح» برای افراد و نیز نیاز به پر کردن جای خالی سربازان فراری و متوفی که به نوبه خود یکی از مطالب مهم رساله به‌شمار می‌رود. ذکر فرار سربازان و فوت آنها، بیانگر یکی دیگر از معضلات اجتماعی دوره قاجار است که پیشتر به آن اشاره شد. در دوره قاجاریه خدمت سربازی به صورت سهمیه‌بندی مناطق یا به اصطلاح رایج آن زمان «بنچه» یا «بنیچه» بوده اما به دلیل شرایط نامساعد منطقه، همچنین اوضاع و شرایط بد روحی که سربازان بدان مبتلا بودند، از محل خدمت گریخته و متواری می‌شدند. مسأله فرار سربازان در بعضی مقاطع و مناطق چنان جدی بود که خواستار رسیدگی و برخورد جدی با این

نسخه خطی روزنامه‌چه خرج فوج اردبیل و مشکین، رساله‌ای است کوتاه، حول محور نیازها، اخبار، و مطالب مرتبط با یک گروه نظامی که به جانب مشهد، گسیل شده و حدود چهار ماه و نیم در این شهر، اقامت داشته‌اند

با توجه به ماهیت و کاربرد از پیش تعیین شده رساله، غالب اطلاعات ثبت شده در آن، حول مسایل نظامی بوده که از لابه لای همین اطلاعات به نکات قابل توجهی می‌توان دست یافت

وجود واژه «کلانتر» شهر، در این گزارش نشان می‌دهد که در آن محدوده زمانی، در سلسله مراتب مدیران شهری ایران، چنین رده شغلی وجود داشته و این نکته در بررسی تاریخ اجتماعی - سیاسی عصر قاجار، برای پژوهشگران سودمند خواهد بود

شکل و دارای متنی سیاه رنگ است که درون آن واژه‌های «جنرال آجودان مخصوص حضور همایون» به رنگ سفید حک شده است.

پیش از هر چیز نکته درخور توجه در مورد گزارش مزبور این است که: این گزارش به ساده‌نویسی و بیان مسایل صرف نظامی و فنی پرداخته است. روال گزارشات و نوشته‌های دوره قاجار بر تطویل کلام و به‌کارگیری جملات پرطمطراق و عبارات مسلسل و اغلب منثور و فنی است. اما در این گزارش، اختصار و ساده‌نویسی در حد بسیار زیادی اعمال گردیده و عبارات و کلمات، تنها در حد لزوم و در صورت نیاز به کار رفته است و از هر نوع تطویل و کلمات اضافی پرهیز شده است.

نکته دیگر اینکه، در گزارش مورد بحث، از میان چهار حرف فارسی گ - پ - چ - ژ دو حرف پ و چ مورد استفاده قرار گرفته اما دو حرف دیگر به کار نرفته است.

ویژگی دیگر این متن، بیان حقایق و تلاش در جهت انعکاس همه‌جانبه مسایل اعم از جهت‌گیری به نفع سربازان یا فوج و بالاخص ذکر کاستی‌ها و ارائه راه‌حل برای رفع آنها است. و آخرین نکته، اشاره‌های کوتاه به تاریخ، جغرافیا و مسایل اجتماعی زمان نگارش متن است.

در مجموع «روزنامه‌چه خرج فوج اردبیل و مشکین...» از برخی جهات به صورت یک منبع مستقل و از بعضی جهات به عنوان یک منبع مؤید و کمکی در جهت پژوهش موضوعات مختلف در حوزه ایران دوره قاجار، مفید و کارآمد است.

مالیات خانواده‌های‌شان. یکی دیگر از نکات شایان توجه این نسخه خطی، ارائه آمار سربازانی است که یا به طور موقت (بیماری و...) و یا صورت دائم (فوت - فرار و...) از رده خارج شده‌اند. هدف گزارش‌نویس از دادن این آمار ظاهراً توجیه درخواست خود مبنی بر لزوم پرشدن جای خالی سربازان خارج از رده است. اگرچه این آمار در زمان خود صرفاً با هدف اطلاع‌رسانی نظامی نگاشته شده، ولی امروز، از جنبه‌های مختلف موجب تقویت و تکمیل کارهای پژوهشی گردد. برای نمونه نوع اسم‌گذاری افراد و تأثیر اعتقادات و نیز جغرافیای محلی در نام‌گذاری‌ها، نوع به‌کارگیری نام‌های معرف یا آنچه که امروزه اصطلاحاً نام فامیل خوانده می‌شود، اسامی چند روستا و بخش از توابع اردبیل و مشکین [شهر] صد و سی سال قبل، رده‌ها و رسته‌ها و مشاغل نظامی، مدت خدمت برخی از نیروها (که در نوع خود جالب توجه می‌باشد) و مواردی از این دست را می‌توان علاوه بر سایر بخش‌های کتاب، از آمار و ارقام آن استخراج نمود.

پایان‌بخش این گزارش نظامی یادآوری نیاز شدید فوج به «ملبوس» و «موجب» و یادآوری «عسرت و تنگی بسیار» نیروها از این بابت است تاریخ ارائه کتابچه به مقام مافوق فرد نویسنده، صفر ۱۲۸۹ هجری است. در صفحه پایانی گزارش چند سطر افزوده شده که به نوعی می‌توان آن را، ارزیابی گزارش به جهت استحضار «شاه» دانست. طبق این ارزیابی، گزارش مورد بحث «صحیح‌ترین روزنامه‌جات قشون روی زمین است». مهر ارزیاب، بیضی

قضیه شدند. گزارش‌نویس در اینجا نیز از مقامات مافوق خود می‌خواهد تا ترتیبی اتخاذ شود که «سربازان عوام دانسته باشند که سرباز فراری به صدمات و تنبیهات مبتلا شده و گرفتار کشته [گشته] و از پانصد فرسخی باز به فوج، ملحق خواهد شد». و نیز درخواست می‌کند ترتیبی داده شود تا «هالی ولایت که کمال اکراه از عمل بنچه‌بندی دارند استحکام عمل بنچه را در دادن عوض [سرباز] متوفی و کسر بنچه مطلع شوند و...» درحقیقت گزارش‌نویس از مقامات ذی‌صلاح می‌خواهد که در دستگیری سربازان فراری شدت عمل و جدیت بیشتری به خرج داده و آن را به مرحله پشتیبانی هم سرایت دهند و اگر سربازی فراری شد یا در حین خدمت طویل‌المدت خود - درگذشت، منطقه موردنظر و محل زندگی سرباز مذکور، ملزم و موظف به پر کردن جای خالی اوست. پیشنهاد تکمیلی گزارش‌نویس در این باره آنست که «محصلین با احکام علیه مأمور» گردند. چرا که به نظر او «بدون محصل دیوانی و تشدد کامل... به تجربه رسیده اهالی... سرباز فراری و کسر فوج و عوض متوفی نخواهند داد».

نکته جالب‌تر در دنباله همین مطالب، درخواست گزارش‌نویس به نفع سربازان مبنی بر اینکه موجب را به سرباز بدهند و چیزی به عنوان مالیات از خانواده سرباز کسر ننمایند. از این چند سطر چنین برمی‌آید که سربازان در این شرایط از دو جهت تحت ظلم و ستم بوده‌اند هم به جهت صرف کردن سال‌های بسیاری از عمر در اردوهای نظامی، و هم به نوعی دادن بیگاری تحت عنوان محاسبه موجب آنان به جای